

درآمدی بر الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله در عدالت پژوهی

رضا اکبری^۱، محمدصادق تراب‌زاده جهومی^۲، محسن حبیبی^۳

دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۳؛ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۶

چکیده

پایه‌ای‌ترین گام در تحلیل خط‌مشی، ساختاردهی مسئله است. اگر مسئله‌ای به درستی صورت‌بندی نشود، راه‌حل درستی نیز نخواهد داشت. شناخت نادرست از موقعیت مسئله اجتماعی یا اهمال در شناخت آن از جمله در حوزه عدالت، در بهترین حالت منجر به تولید راه‌حل خوب برای مسئله‌ای نادرست خواهد شد؛ از این‌رو تحلیل خوب از موقعیت مسئله‌های عدالت، برای تولید راهکار درست ضروری است. به دلیل فقدان ابزارهای تحلیلی در حوزه تصمیم‌گیری و اقامه عدالت، این مقاله به دنبال طراحی الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله به عنوان ابزاری در تحلیل گام‌به‌گام موقعیت مسئله عدالت است. این کار از مسیر استخراج عناصر و ابعاد تحلیلی از مطالعات عدالت به‌ویژه نظریه‌های مطرح عدالت صورت می‌گیرد. الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله در عدالت پژوهی شامل هفت بُعد است: مبانی فلسفی، زمینه، بازیگر، متغیر موجد حق، متعلق توزیع، زمان، نتیجه. تصمیم‌گیران در تحلیل موقعیت مسئله، موضع خود را نسبت به عناصر هر یک از این ابعاد مشخص می‌سازند. این کار، خودآگاهی تصمیم‌گیرنده و خط‌مشی‌گذار را نسبت به مختصات مداخله بالا می‌برد. با استفاده از الگوریتم ارائه‌شده می‌توان تبیین کرد چه چیزی، چه موقع، مبتنی بر چه نگاهی، در چه شرایطی، توسط چه کسی، به چه کسی، بر پایه چه معیاری، و برای تحقق کدام نتیجه، توزیع می‌شود یا باید بشود.

کلیدواژه‌ها: عدالت، الگوریتم، تحلیل خط‌مشی، ساختاردهی مسئله، تحلیل موقعیت مسئله.

۱. استاد فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده هیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

Email: r.akbari@isu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

Email: torabzadeh@isu.ac.ir

(نویسنده مسئول)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده معارف اسلامی

Email: mo.habibi@isu.ac.ir

و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

عدالت همواره یکی از ارزش‌های اجتماعی جوامع بشری بوده و با شاخص آن افراد، موقعیت‌ها، حکومت‌ها و غیره مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند؛ از این رو یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که حکومت‌ها با آن مواجه بوده‌اند، اقامه عدالت، برخورد عادلانه با افراد جامعه و اصلاح وضعیت ناعادلانه بوده است. حکومت‌ها برای پاسخ به این چالش‌ها، نیازمند ابزارهایی بودند تا مسائل و موقعیت‌های مختلف را تحلیل کنند. در طول تاریخ، مباحث و مطالعات فراوانی درباره عدالت مطرح شده است. گستره این مباحث ناظر به مفهوم عدالت، رابطه آن با سایر مفاهیم و علوم (در حوزه چیستی)، غایت‌شناسی، آثار و ارزش‌شناسی عدالت (در حوزه چرایی) و تجارب گذشته، شناخت وضع موجود و تجویزها (در حوزه چگونگی) بوده است. در عین حال، مطالعات شناخت وضع موجود در حوزه چگونگی بیشتر ناظر بر شاخص‌های عدالت انجام شده است (پیغامی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳۱-۳۱۹)، اما دسته‌ای از مباحث که جایگاه خالی آن‌ها در شناخت وضع موجود به شدت احساس می‌شود، ابزارهای تحلیل موقعیت^۱ و ساختاردهی به مسئله^۲ هستند.

آنچه در حوزه مباحث عدالت پژوهی مغفول مانده، ارائه ابزارهای جامع برای تحلیل مسائل و موقعیت‌های مختلف از منظر عدالت است. تمرکز این مقاله بر ابزارهای تحلیل در عدالت توزیعی است^۳. اهمیت ابزارهای تحلیل مسئله بدان جهت است که خط‌مشی‌گذاران معمولاً به دلیل شناخت نادرست موقعیت مسئله، راه‌حل‌های خوبی را برای مسائل غلط طراحی و اجرا می‌کنند و دچار خطای نوع سوم^۴ در تصمیم‌گیری می‌شوند. تأکید بیش از اندازه بر حل مسئله، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان را از توجه به شناخت درست و ساختاردهی مناسب مسئله غافل کرده است (دان^۵، ۲۰۱۲: ۶۷). به طور مثال می‌توان شلوغی خط یک مترو تهران (جنوب به شمال در صبح و شمال به جنوب در عصر) را در قالب شکاف طبقاتی (نیروی کار از پایین شهر برای



1. Situation Analysis Tools

2. Problem Structuring

۳. این انتخاب به جهت عینی‌تر بودن و قابل‌فهم‌تر بودن حوزه عدالت توزیعی است. البته در ادامه بیان می‌شود که نویسندگان معتقدند همه شاخه‌های عدالت اجتماعی را می‌توان به عدالت توزیعی تحویل داد.

۴. خطای نوع سوم (Errors of Third Kind) یعنی ارائه راه‌حل درست برای مسئله غلط به علت شناخت غلط از مسئله. از آنجاکه مسائل درهم‌تنیده هستند و هر یک در عین عدم یکسانی با مسئله دیگر، ذیل یک سیستم قرار دارند، پس برای حل یک مسئله باید ریسک تولید راه‌حل خوب برای مسئله غلط را پذیرفت؛ از این رو با پیامدهای پیش‌بینی نشده مواجهیم که ممکن است برای پرسش غلط، راه‌حل درست پیدا کنیم. برای مطالعه بیشتر، ن.گ: دان، ۲۰۱۲، فصل سوم.

5. Dunn



کار ساکنان شمال شهر) یا کمبود وسایل حمل و نقل عمومی یا ترافیک خیابان‌ها تعریف کرد. طبیعی است که هر صورت‌بندی، راهکارهای خاص و متفاوت خود را خواهد داشت. در این مقاله قصد داریم با بهره‌گیری از مباحث و نظریه‌های مطرح شده در زمینه عدالت، به ابزاری برای تحلیل مسئله و موقعیت‌های عدالت دست یابیم تا با بهره‌گیری از آن بتوان گامی برای حل مسائل عدالت برداشت. در این الگوریتم، عنصری ابداع نشده است بلکه نوآوری پژوهش حاضر، حاصل استخراج بیشترین عناصر موجود در نظریه‌ها و مطالعات موجود عدالت^۱ و نیز طبقه‌بندی تحلیلی آن‌ها خواهد بود. در این مقاله، با پژوهشی کاربردی مواجه خواهیم بود. استخراج بیشترین عناصر، در قالب برگزاری چندین جلسه نقد و نظر با حضور برخی نخبگان عرصه عدالت پژوهی مورد تأیید قرار گرفت. باید توجه داشت درباره طراحی ابزارهای تحلیل موقعیت عدالت، تاکنون پژوهشی در فارسی و انگلیسی یافت نشده است و صرفاً می‌توان به نظریه‌های عدالت اشاره داشت که معیارهای پراکنده‌ای را طرح کرده‌اند. در بخش سوم به این موارد اشاره می‌شود. در ابتدای مقاله ابعاد و زوایای الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله معرفی می‌شود. سپس به صورت مختصر، به گوشه‌هایی از پیشینه نظری الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله اشاره خواهد شد و در ادامه ضمن بیان روش کار با الگوریتم، مثالی برای آشنایی بیشتر ارائه می‌شود.

معرفی الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله

یکی از ابزارهای تحلیل در نگاه مسئله‌محور استفاده از الگوریتم‌هایی است که بتوانند ابعاد مسئله‌ای را موشکافی کرده و از جوانب مسئله به تصمیم‌گیرنده آگاهی برسانند. در حقیقت لزومی ندارد که تصمیم‌گیرنده برای حل یک مسئله آن را پیچیده کند بلکه با شناخت همه ابعاد محتمل و مؤثر، آگاهانه قضاوت کرده و تصمیم می‌گیرد. نگاه مسئله‌محور، ناظر به تحلیل مسائلی

۱. در بخش سوم که ابعاد الگوریتم تشریح می‌شوند، برای تک‌تک این عناصر، مطالعات یا مآخذ اصلی آورده می‌شود تا خواننده محترم بتواند برای مطالعه بیشتر به آن‌ها رجوع کند. نظریه‌های مساوات‌گرایان، قراردادگرایان، مارکسیسم، مطلوبیت‌گرایان، عدالت محلی، نوزیک، هایک و غیره از جمله نظریه‌های مورد استفاده در این پژوهش هستند. ایده اصلی این مقاله و عناصر برداشت شده، برگرفته از جلسه‌هایی است که در قالب کتاب «گفتارهایی در عدالت اجتماعی» به چاپ رسیده است. در این کتاب برای جمع‌آوری و شمارش بیشترین مسائل حوزه عدالت پژوهی و عدالت اجتماعی تلاش شده است که خوانندگان را به مطالعه آن دعوت می‌کنیم. همچنین در قالب چندین جلسه نقد و نظر با حضور برخی نخبگان عرصه عدالت پژوهی، جامعیت این عناصر به آزمون گذاشته شده و اعتبار آن تأیید شد. در عین حال، به دلیل استقرایی بودن احصا، امکان اصلاح وجود دارد. پیغامی. عادل و همکاران. (۱۳۹۵). گفتارهایی در عدالت اجتماعی. نشر مرکز رشد و انتشارات دانشگاه امام صادق (ع). تهران: ج ۱.



است که باید برای حل آن‌ها مداخله صورت گیرد؛ بنابراین شناخت موقعیت مسئله و طراحی مداخله در آن موضوعیت پیدا می‌کند. تصمیم‌گیران همواره با موقعیت‌هایی مواجه می‌شوند که آن‌ها را نامطلوب ادراک کرده و باید مداخله‌ای برای تغییر آن موقعیت طراحی و اجرا کنند. الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله، به دنبال کمک به این بازیگران برای شناخت بهتر موقعیت مسئله و پایه‌گذاری طراحی راه حل است.

در استفاده از این ابزار، توجه به چند نکته ضروری است:

۱. الگوریتم، پاسخ یک مسئله نیست بلکه استفاده از آن، به یافتن پاسخ کمک می‌کند؛
۲. الگوریتم تلاش می‌کند جامعیت داشته باشد؛ بنابراین تا حد امکان، عوامل مؤثر بر مسئله را به صورت استقرایی شناسایی می‌کند، اما در استفاده از آن باید ضمن توجه به جامعیت، عواملی را مورد تحلیل قرار داد که اولویت بیشتری دارند زیرا تحلیل برخی عوامل، در عین جامعیت، اثر ناچیزی بر تحلیل مسئله دارد؛
۳. اینکه یک مسئله در الگوریتم چگونه تحلیل می‌شود تابع نظام باور تصمیم‌گیران است. الگوریتم تنها قالبی برای اندیشیدن است. دین و نظام باور حاکم بر مسئله و تصمیم‌گیران، پاسخ مسائل الگوریتم را تعیین می‌کند. در واقع، چون مشاهده و نظریه در یک هرمنوتیک دوگانه برهم مؤثر هستند (مکولی و دبرلی و جانسون^۱، ۱۳۸۹: ۳۹) و الگوریتم ابزاری برای مشاهده موقعیت است، نظریه‌ها، باورها و نگرش تصمیم‌گیران بر نوع به‌کارگیری الگوریتم مؤثر خواهد بود.^۲

خاستگاه نظری الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله و جایگاه آن در میان سایر علوم

خاستگاه نظری الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله را می‌توان در حوزه‌های مختلفی جست‌وجو و ریشه‌یابی کرد که از جمله می‌توان به تحلیل خط‌مشی^۳ در مطالعات خط‌مشی و نیز روش‌شناسی عدالت‌پژوهی در فلسفه و روش‌شناسی علوم اجتماعی اشاره داشت. به منظور ایجاد محورهای پژوهشی در ادامه موضوع مقاله، رابطه این حوزه‌ها با الگوریتم تحلیل به شکل خلاصه طرح می‌شوند.

۱. تحلیل خط‌مشی

پیش از جامعه مدرن، علوم بر محور مسائلی شکل می‌گرفت که در اطراف رخ می‌داد، اما در جامعه

1. McAuley, Duberley & Johnson

۲. تأکید بر مبانی فلسفی در ابعاد الگوریتم نیز به همین جهت اشاره دارد.

3. Policy Analysis

علمی مدرن کم‌کم علوم به رشته‌های^۱ مختلف تبدیل شدند. در عین حال، مسائل اجتماعی و انسانی ابعاد متفاوتی دارند که به شدت باهم مرتبط هستند و تفکیک ناپذیر می‌نمایانند. علوم موضوع محور و رشته‌ای همواره در پی تفکیک ابعاد یک مسئله هستند. معمولاً متخصصان یک رشته، تحلیل‌های رشته‌ای و پاره‌پاره ارائه می‌دهند اما رویکرد یکپارچه مسئله محور، هم‌زمان از همه علوم و در امتداد هم استفاده می‌کند (دان، ۲۰۱۲: ۱۴). موضوع محوری شاید برای اطلاع‌رسانی اطراف یک موضوع مفید باشد اما به عنوان رویکردی پژوهشی نابارور است و به تولید علم منجر نمی‌شود (قراملکی، ۱۳۸۳: ۷۰-۶۹).

از آنجاکه هر مسئله اجتماعی، از زوایای مختلفی دارای تحلیل‌های متفاوتی است و اشعار به تأثیرات و آثار مختلفی دارد، به منظور پرهیز از پیامدهای پیش‌بینی نشده و حتی جبران ناپذیر باید نوعی جامع‌نگری در پرداختن به مسئله حاکم شود. این ناتوانی علوم موضوع محور و رشته‌ای سبب می‌شود مطالعات مسئله محور جایگاه خود را باز یابند. شاید بتوان یکی از زمینه‌های تلفیق علوم انسانی را توجه به مسئله دانست. مطالعات میان‌رشته‌ای بر پژوهش مسئله محور استوار است تا شیوه محور (شاپیرو^۲، ۲۰۰۵: ۹۹، به نقل از رادشلدرز^۳، ۲۰۱۳: ۳۴) زیرا مسئله می‌تواند رشته‌ها را حول خود گرد آورد. رشته‌ها می‌توانند از منظرهای مختلفی مسئله را واکاوی کنند. هویت رشته علمی به موضوع آن علم است اما عنصر هویت ساز در علوم اجتماعی، مسئله است. مسئله می‌تواند محوریت و بیگانگی تحلیل‌های علوم موضوعی و رشته‌ای را ایجاد کند و مطالعات موضوعی را به خدمت تحلیل مسئله اجتماعی درآورد.

تحلیل خط‌مشی به عنوان یکی از سه حوزه اصلی مطالعات خط‌مشی^۴ (دانایی فرد، ۱۳۹۵: ۱۹) عبارت است از فرایند پژوهشی چندرشته‌ای با هدف خلق، ارزیابی انتقادی و انتقال اطلاعات مربوط به خط‌مشی. در واقع از نظر روش‌شناسی، تحلیل خط‌مشی، فرایند پژوهشی موجهی^۵ برای یافتن راه حل برای مسائل عملی است؛ از این رو، منحصر به روش‌های تحلیل علوم اجتماعی نیست بلکه عمل‌گرایی و التقاط را یدک می‌کشد. فرایند تحلیل خط‌مشی در سبک عقلایی، دارای پنج مرحله است: ساختاردهی مسئله، پیش‌بینی، تجویز، پایش، ارزشیابی. از آنجاکه

1. Discipline
2. Shapiro
3. Raadschelders
4. Policy studies
5. Reasoned



موقعیت مسئله مساوی خود مسئله نیست و مسائل، بازنمایی از موقعیت‌های مسئله هستند، باید موقعیت مسئله را به خوبی ساختاردهی و تعریف کرد. آنچه در ظاهر می‌بینیم، موقعیت مسئله است نه خود مسئله (دان، ۲۰۱۲: ۸-۲).

برخی واقعیت‌های یکسان، به صورت‌های مختلفی تعبیر و تفسیر می‌شوند و به همین دلیل، واگذاشتن مسئله به واقعیت‌های عینی (موقعیت مسئله) چندان موجه نیست. علت این اختلاف عبارت است از: منافع فردی و نهادی، مفروض‌های انسان‌شناختی، تصور از نقش متناسب حکومت، و نوع نگاه به ماهیت دانش؛ بنابراین شیوه ساختاردهی به مسئله و انتقال از موقعیت مسئله می‌تواند اهمیت یابد (دان، ۲۰۱۲: ۶۷-۶۶). الگوریتم تحلیل، این امکان را فراهم می‌کند تا بتوان موقعیت‌های مسئله عدالت را به نحوی به مسئله تبدیل کرد و فهم بهتری از آن داشت.

۲. روش‌شناسی عدالت‌پژوهی

تصمیم‌گیران چگونه می‌توانند عادلانه بودن تصمیم‌ها و راه‌حل‌های خود را نشان دهند و در حوزه عدالت اجتماعی به راه‌حل مسئله دست یابند؟ و اساساً چگونه می‌توانند یک موقعیت مسئله را از زاویه عدالت مورد تحلیل و واکاوی قرار دهند. از این منظر، سؤال از روش‌شناسی مناسب تحلیل مسئله، از منظر عدالت اجتماعی توجیه می‌شود.

در عرصه روش‌شناسی تحلیل مسائل عدالت، می‌توان سه رویکرد کلی را برشمرد:

۱. رویکرد شخص‌محور: در این رویکرد تلاش می‌شود به جای ارائه معیار، عادلانه بودن امور را به عادل بودن صاحبان امور احاله دهند. در واقع این انسان عادل است و مشخصه‌های خاصی دارد که قول و فعل او، حتماً عادلانه صادر می‌شود. فضیلت‌گرایانی چون *افلاطون* را که به طرح ایده فیلسوف‌شاه و حکومت نخبه‌متفکر (آبلسون و نیلسن^۱، ۱۳۹۲: ۱۲۱) می‌پردازند می‌توان در این دسته جای داد؛ بنابراین، تحلیل مسئله از منظر انسان عادل و با مشخصه‌های خاص، قابل قبول است.

۲. رویکرد معیارمحور: در این رویکرد تلاش می‌شود عادلانه بودن امور به استناد معیارهای مشخصی مانند برابری، تلاش، شایستگی و غیره بررسی و توجیه شود. نظریه‌هایی چون نظریه مساوات‌گرایان^۲ و مطلوبیت‌گرایان در این دسته جای دارند. در مقام تحلیل نیز تطابق موقعیت مسئله با معیارها، ملاک درستی و کارآمدی تحلیل قرار می‌گیرد.



1. Abelson & Nielsen
2. Egalitarians



۳. رویکرد مبتنی بر نظم خودکار: در این رویکرد، نه معیارها و نه انسان‌ها بلکه سازوکارهایی فارغ از توجه به نتیجه خاص یا معیاری خاص، مبنا قرار می‌گیرند. قراردادگرایی نظریه رالز (ونار^۱، ۲۰۱۳) یا تأکید هابیک بر بازار (اشمیدز^۲، ۲۰۱۲) را می‌توان در این دسته قرار داد. ^۴ به طور مثال در رویکرد قراردادگرایی، به جای کشف معرفت، آنچه مورد توافق و قرارداد قرار می‌گیرد، عادلانه خواهد بود؛ بنابراین در مقام تحلیل موقعیت مسئله، تحلیل سازوکارهای خودکار و فعال موجود در متن موقعیت مسئله، ملاک تحلیل است.

با توجه به اینکه فضای تحلیل مسئله نیازمند معیارهایی در شناخت موقعیت است، به‌ناچار رویکرد شخص‌محور کنار گذاشته می‌شود زیرا از ارائه معیار فاصله گرفته است. رویکرد مبتنی بر نظم خودکار به جای ارائه معیارهای مشخص، بر سازوکارهای خاصی تأکید دارد. گرچه خود این سازوکارها می‌توانند مبتنی بر معیار باشند. الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله را می‌توان هم بر اساس رویکرد معیارمحور و هم بر اساس رویکرد مبتنی بر نظم خودکار طراحی کرد. واضح است الگوریتم حاضر، در رویکرد معیارمحور قابل توجیه است، گرچه امکان طرح الگوریتمی که جامع هر دو رویکرد معیارمحور و مبتنی بر نظم خودکار - در مقام عملیات تحلیل نه مبنا - باشد نیز قابل بحث است.^۵

ابعاد الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله در عدالت پژوهی

باهدف برشماری همه عوامل مؤثر بر تحلیل مسائل عدالت و براساس استقرا، می‌توان به شکل شماره یک دست یافت:

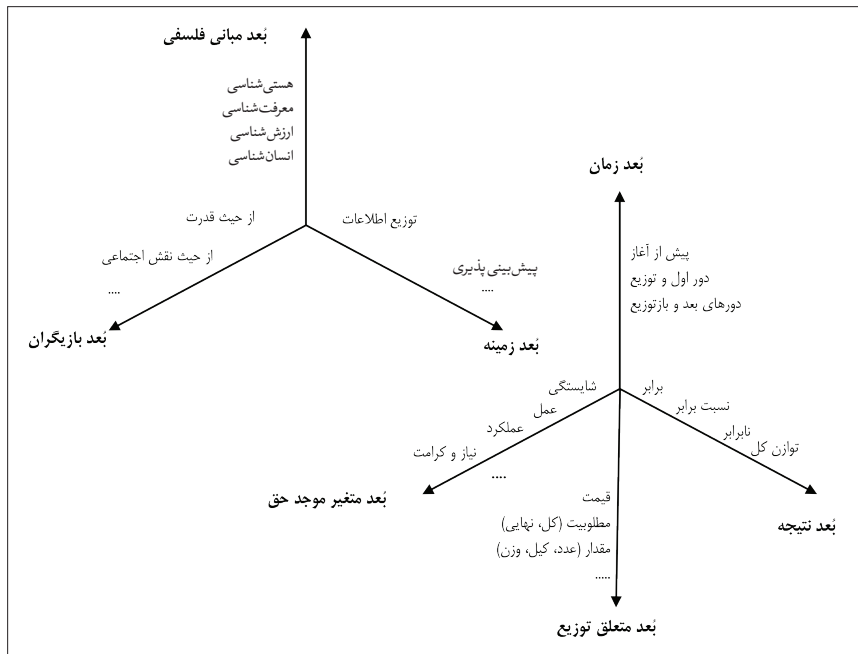
۱. از آنجاکه قراردادگرایی محور اصلی نظریه رالز است و اصول وی در پرتو قراردادگرایی تولید شده‌اند، لذا به نظر می‌رسد نظریه وی مبتنی بر نظم خودکار باشد تا معیار. یکی از انتقادات به نظریه رالز آن است که اگر قراردادگرایی پذیرفته شده است، پس چگونه می‌توان به اصول عدالتی که رالز می‌گوید رسید. شاید در جوامع مختلف، این اصول متفاوت باشند. این قرارداد است که اصول را تولید می‌کند و قرارداد نتیجه معینی ندارد.

2. Wenar

3. Schmitz

۴. گرچه این رویکرد را می‌توان در زمره معیارمحوری قرارداد اما با تسامح آن‌ها را در دسته متمایزی جای می‌دهیم تا تمایز لطیف آن را با معیارمحوری رایج مورد تأکید قرار دهیم.

۵. بحث تفصیلی در این زمینه خارج از موضوع مقاله است و توضیحات بیشتر را به پژوهش‌های بعدی موکل می‌کنیم. هدف در این بخش، صرفاً طرح بحثی اجمالی است تا زمینه پژوهش‌های آتی میسر شود.



شکل شماره ۱. محورهای الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله عدالت

۱. مبانی فلسفی^۱

۱-۱. هستی‌شناسی

موضوع شناخت مسئله عدالت می‌تواند حقیقت عدالت باشد. اینکه عدالتی در نفس الامر وجود دارد یا خیر، پرسش نخست هر پژوهشگری است. در صورت پذیرش وجود نفس الامر، پژوهشگر در این انتخاب، سعی دارد تا حقیقت واقع عدالت را از منظر دینی یا باورهای موجه خود بررسی کند. این امر مبتنی بر قبول این نکته است که اعتباریات اجتماعی در جامعه دینی باید مبتنی بر مصالح و مفاسد مدنظر دین باشند. این انتخاب، پژوهشگر را از انتخاب گزینه دوم که همان «ادراک^۲ و اجرا» است، بی‌نیاز نمی‌سازد. همچنین ممکن است پژوهشگر حقیقتی برای عدالت قائل نباشد و صرفاً آن را بین‌الذهانی تصور کند. تحلیل عدالت در مقام ادراک و اجرا بدان

۱. بخش مبانی فلسفی، تلفیقی از مباحث این سه اثر است: واعظی، ۱۳۸۸؛ فصل اول؛ واعظی، ۱۳۸۳؛ تراب‌زاده و سجادی، ۱۳۹۰.

معناست که تصمیم‌گیری در فضای عدالت اجتماعی ناگزیر است میزان آمادگی جامعه برای اعمال و اجرای یک مسئله عدالت را سنجیده و تحمل‌پذیری آن را جهت دهد زیرا ممکن است بدون توجه به سطح تحمل جامعه، اجرای یک نظریه عادلانه با شکست مواجه شود. در برخی نظریه‌های غربی از جمله نظریه رالز که حقیقت و نفس‌الامری برای عدالت قائل نیستند نیز به هستی‌شناسی پرداخته شده است. آن‌ها ماهیت عدالت را در نگاه قراردادگرایانه خود، بین‌الذلهانی و تفسیری می‌دانند (توسلی، ۱۳۷۶: ۱۳۰). این امر به دلیل هستی‌شناسی متفاوت از نگاه اسلامی است. در قرارداد اجتماعی، عدالت یک نهاد اخلاقی و اجتماعی و به تبع حاصل توافق عمومی در هر عصری است؛ بنابراین شرط اول این توافق عبارت است از امکان سهیم شدن همه افراد در توافق بر معنایی از عدالت (پيله فروش، ۱۳۸۵: ۱۱).

۱-۲. معرفت‌شناسی و روش‌شناسی

مباحثی چون مبدأ درک عدالت، روش‌شناسی دستیابی به اصول عدالت، تعمیم‌گرایی یا زمینه‌گرایی، وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی در تعیین تعداد اصول عدالت، در این محور طرح می‌شوند. به طور مثال در بُعد منبع شناخت، پس از تعیین اینکه حقیقت یا ادراک عدالت موضوع تحلیل است، نوبت به این می‌رسد که استخراج راهکار باید از کدام منبع شناخت صورت پذیرد؟ تصمیم‌گیرنده و نظریه‌پرداز باید میزان استفاده از هر منبع شناخت را تعیین کنند. عقل، نقل، عرف و به طور خاص قرارداد، فطرت و غیره از جمله منابع شناختی هستند که نظریه‌پردازان عدالت و تصمیم‌گیرندگان می‌توانند راهکارهای خود را از آن‌ها استخراج کنند.

۱-۳. ارزش‌شناسی

چرایی و معقولیت عدالت اجتماعی، وجه التزام به عدالت، مطلق یا مشروط بودن فضیلت عدالت، نتیجه‌گرایی، وظیفه‌گرایی و فضیلت‌گرایی و نسبت عدالت با سایر فضایل اجتماعی از ابعاد این محور به شمار می‌روند. البته این نگاه نیز وجود دارد که چون عدالت یک ارزش است، بُعد معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی دو بُعد مجزا نبوده و یکی هستند.

۱-۴. انسان‌شناسی

مباحثی نظیر غایت و کمال انسان، سرشت انسان، نسبت فرد و جامعه، اصالت فرد و جامعه و نیازهای فردی و اجتماعی انسان در زمره مؤلفه‌های این محور قرار می‌گیرند.



۲. زمینه^۱

عدالت در بسترهای مختلف، اصول حاکم متفاوتی را به خود می‌پذیرد (تراب زاده و سجادیه، ۱۳۹۴: ۳۷۲-۳۷۰). برخلاف کسانی که به دنبال قواعد جهان‌شمولی برای عدالت هستند و زمینه‌گرایی را نفی می‌کنند، نظریه‌پردازان عدالت محلی^۲، اصول عدالت را در زمینه فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی مختلف، متفاوت می‌بینند (کونو^۳، ۲۰۰۳: ۱۱۸۹). زمینه‌گرایی به این نکته نیز اشاره دارد که عدالت دارای اصل منحصربه‌فردی نیست بلکه مجموعه‌ای از اصول (نیاز، تلاش و غیره) در هر مسئله عدالت ظاهر می‌شوند که البته در زمینه‌های مختلف، وزن گوناگونی را می‌پذیرند. در اندیشه اسلامی نیز چنین نسبت‌انگاری طرح شده است که مسلماً از نسبت‌انگاری پرهیز دارد (توسلی، ۱۳۷۵: ۱۸۲-۱۷۹؛ توسلی، ۱۳۸۵: ۸-۷). برخلاف این نگاه، برخی دیدگاه‌ها که قائل به جهان‌شمولی هستند مانند مارکسیسم و مساوات‌گرایان، برای عدالت تنها یک اصل ثابت را می‌پذیرند. دکترین مساوات‌گرایی مبتنی بر این تفکر است که همه افراد بشر، در ارزش‌های اساسی و وضعیت‌های اخلاقی برابرند (ارنسون^۴، ۲۰۱۳). اصل عدالت توزیعی جامعه کمونیستی نیز چنین است: «از هرکس به اندازه‌توان، به هرکس به اندازه‌نیاز» (هوسامی^۵، ۱۹۷۸: ۴۶)؛ بنابراین پژوهشگر باید موضع خود را نسبت به جهان‌شمولی اصول عدالت یا زمینه‌گرایی آن روشن سازد. از جمله مباحث زمینه، قابلیت پیش‌بینی‌پذیری وضعیت و نحوه و میزان توزیع اطلاعات در جامعه است.

۳. متغیر موجد حق

متغیر موجد حق یعنی آنچه فرد را برای امری محق و مستحق می‌سازد. این متغیرها شامل علل غایی و علل فاعلی هستند. کرامت انسانی را می‌توان از جمله علل غایی دانست و از سوی دیگر، شایستگی بالقوه و بالفعل، عمل، عملکرد، نیاز، نیت و انتساب از علل فاعلی به شمار می‌روند.

۱-۳. شایستگی^۶

شایستگی عبارت است از مهارت، دانش، پیوند نسبی و سببی، تجربه، سابقه و غیره. عدالت از یک منظر یعنی رفتار با افراد برحسب شایستگی فردی آن‌ها. در این بیان، شایستگی خصوصیتی



1. Context
2. Local Justice
3. Konow
4. Arneson
5. Husami
6. Merit

است که به فرد برمی‌گردد نه به وصف رفتار ما با او. این نظریه بیان می‌دارد عدالت یعنی مراعات این شایستگی‌های فردی در مقام اعطای پاداش و کیفر، تشویق و تنبیه و توزیع خیرات و مضرات اجتماعی. نظریه سادورسکی (توسلی، ۱۳۷۵: ۱۰۵-۸۸) و بخشی از نظریه بوکانون (کونو، ۲۰۰۳: ۱۲۰۷) به این نکته اشاره دارند.

۲-۳. عمل^۱

فرد برای اینکه هدفی را محقق سازد، عملی را انجام می‌دهد. گاهی فارغ از اینکه هدف محقق شده باشد یا نتیجه به دست آمده باشد، فرد مستحق امری شناخته می‌شود. به طور مثال سرباز موظف به جنگیدن است. اینکه در جنگ پیروز شود یا شکست بخورد، از ارزش عمل وی نمی‌کاهد. بوکانون چهار عامل تعیین‌کننده توزیع درباره درآمد و انبار اقتصاد را برمی‌شمارد: شانس، انتخاب، تلاش و تولد^۲. تلاش در حقیقت همان عملی است که ممکن است منجر به نتیجه نهایی مطلوب هم نشود (کونو، ۲۰۰۳: ۱۲۰۷).

۳-۳. عملکرد^۳

گاهی فارغ از بروز عمل برای تحقق نتیجه، خود کسب نتیجه موضوعیت پیدا می‌کند؛ بنابراین اینکه کارگراستخدام شده برای حمل بار، صرفاً کار کند بدون اینکه بار را به جای مشخصی ببرد، شایستگی دریافت مزد را رقم نمی‌زند. با وجود تنوع دیدگاه در مکتب مطلوبیت‌گرایی^۴، به طور کلی در نگاه این مکتب، اقدام درست^۵ اقدامی است که بیشترین خیر را تولید می‌کند. این تعبیر به انحای مختلفی توجیه می‌شود: نخستین توجیه اینکه مطلوبیت‌گرایی شکلی از پیامدگرایی^۶ است (جایی که اقدام درست در قالب پیامد تولید شده فهم می‌شود) (درايور،^۷ ۲۰۱۴). به معنای دقیق‌تر این سود و زیان اعمال است که درستی یا نادرستی آن‌ها را مشخص می‌کند (میل،^۸ ۱۸۶۳: ۹).

1. Action
2. Choice, Effort & Birth
3. Function
4. Utilitarianism
5. Morally Right Action
6. Consequentialism
7. Driver
8. Mill



۳-۴. نیاز و کرامت انسانی

این امر به استحقاق در سطح عفاف و کفاف اشاره دارد. نیاز فرد و حفظ کرامت انسانی و عفاف وی، می‌تواند ایجاد استحقاق کند^۲ (توسلی ج، ۱۳۸۵: ۹۴). عفاف و کفاف اشاره به شأن انسانی افراد دارد که رعایت این دو، هم حرمت اخلاقی آن‌ها را حفظ کرده و محتاج درخواست از دیگری نمی‌سازد (عفاف) و هم نیازهای مادی اولیه آن‌ها را در حد شأن اجتماعی شان رفع می‌کند (کفاف). انفاق از جمله ابزارهای پاسخ به این متغیر تصمیم است. البته این امر در اندیشه اسلامی تفاوت شگرفی با اندیشه غرب دارد. معمولاً نیاز، به نیاز اساسی^۳ تقلیل داده می‌شود. مارکسیسم، رالزو مساوات‌گرایان، تأمین نیازهای اساسی را حداقل لازم عدالت می‌دانند (کونو، ۲۰۰۳: ۱۱۸۹).

۳-۵. نیت^۴

گاهی نیت نیز به عنوان متغیر تصمیم در حوزه‌هایی چون قضاوت درباره قتل نفس دخیل می‌شود. اینکه فرد نیت قتل داشته باشد یا خیر، می‌تواند در شکل قتل و حکم آن تفاوت ایجاد کند. بر اساس ماده ۲۸۹ قانون مجازات‌های اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قتل عمد، شبه عمد و خطای محض از شقوق قتل به شمار می‌روند که نیت در تمایزشان دخیل است.

۳-۶. موجودی، انتساب و تاریخ

نظریه نوزیک و نظریه انتساب به این مهم اشاره دارند (اشمیدز، ۲۰۰۶؛ کونو، ۲۰۰۳: ۱۲۱۶-۱۲۰۶؛ نوزیک^۵، ۱۳۷۶: ۹۶). به طور مثال، مالکیت فرد بر مسکن (انتساب)، حق برخورداری از اجاره‌بهای آن را به وی می‌دهد.

۴. متعلق توزیع

اینکه در یک تصمیم عدالت و در یک تغییر، چه چیزی جابه‌جا می‌شود ممکن است بر تحلیل مسئله مؤثر باشد. قیمت، مقدار (عدد، وزن، کیل)، مطلوبیت^۶ (کل، نهایی)، نسبت مطلوبیت به قیمت، احترام، قدرت، مالکیت، دسترسی و فرصت، اطلاعات و غیره می‌توانند موضوع تغییر و توزیع باشند. با این نگاه، عدالت‌های رویه‌ای و مراوده‌ای نیز در قالب عدالت توزیعی تعریف می‌شوند.^۸

1. Need

۲. در اینکه نیاز می‌تواند در علل غایی و فاعلی قرار گیرد، جای بحث وجود دارد که خارج از این مقاله است.

3. Basic needs

4. Intent

5. Endowment, Entitlement

6. Nozick

7. Price, Amount & Utility (total-Marginal)

۸. درباره شمولیت عدالت توزیعی بر سایر انواع عدالت، نظریه‌های مختلفی وجود دارد که به عنوان نمونه می‌توان به کتاب



۵. زمان

زمان شامل عدالت تکوینی، پیش از شروع و پیشینی، توزیع و دور اول، دوره‌های بعدی بازی، و دوره‌های مستمر. اینکه چه متغیر تصمیمی برای توزیع چه متعلق توزیعی پاسخ مسئله عدالت است، بستگی به زمان توزیع دارد. گاهی یک پاسخ برای همیشه، پاسخ مسئله عدالت است و گاهی طبق زمان‌بندی، پاسخ‌ها متفاوت خواهند شد. در این نگاه مراحل توزیع، موضع تصمیم پژوهشگر هستند: عدالت تکوینی، پیش از شروع بازی و عدالت پیشینی، توزیع و دور اول بازی، بازتوزیع و دوره‌های بعدی بازی در حالت استمرار.

۶. نتیجه^۱

در سطح خرد: برابر، تناسب برابر و نابرابر؛ در سطح کلان: توازن^۲ کل، عدم توازن کل. در برخی موارد، نوع نتیجه از پیش مشخص است؛ بنابراین اینکه در هر مسئله عدالت، نتیجه نهایی چه نتیجه‌ای باید باشد، از پرسش‌های پژوهشگر خواهد بود. پژوهشگر ممکن است حتی نتیجه مشخصی را در نظر نگیرد و نتیجه حاصل از یک فرایند طراحی شده را هرچه باشد، عادلانه بداند، اما در عین حال نسبت به اینکه این بُعد را در نظر بگیرد یا خیر، باید تصمیم بگیرد. به طور مثال فرض کنید در توزیع بیت المال مسلمین، نتیجه توزیع، برابر است. پس مکانیسم‌های دیگر را باید به نحوی سازمان‌دهی کرد که این نتیجه برابر رقم بخورد. در برخی موارد مانند معاملات نیز نتیجه و قیمت نامشخص است و تنها قواعد صحیح بر معامله حاکمند، از قبیل قاعده نفی غرر. به هر حال اینکه نتیجه چه حالت‌هایی می‌تواند داشته باشد در دو سطح قابل بررسی است: سطح خرد که شامل برابری، تناسب^۳ برابر، و نابرابر می‌شود، و سطح کلان.

۱-۶. توازن کل

یعنی در عین اینکه نابرابری بین افراد حاکم است، اما فاصله طبقات افراد، یک سطح متوازن و متعادل را شاهد است. از جمله مثال‌های این بخش، عدم پذیرش مساوات در درآمدهای افراد، در عین پذیرفتن فاصله طبقاتی زیاد بین طبقات درآمدی جامعه است.

۲-۶. عدم توازن کل

لزومی ندارد که نتیجه حالت خاصی داشته باشد بلکه هر نوع نسبتی پذیرفته شده است؛ چه

«انتظار عدالت و عدالت در سازمان» مراجعه کرد. اطلاعات کتاب‌شناختی در بخش منابع آمده‌اند.

1. Result
2. Balance
3. Equality, Equity



اینکه توازن وجود داشته باشد و چه اینکه وجود نداشته باشد. چنین نتیجه‌ای را به طور مثال می‌توان در حاکمیت مطلق بازار جستجو کرد.

۷. بازیگران

مسئله عدالت موضوع تغییراتی است که در بین بازیگران اجتماعی رخ می‌دهد. بسته به اینکه بازیگران حاضر در صحنه، چه ویژگی و صفاتی دارند، مکانیسم تعیین معیارها و تحقق عدالت متفاوت خواهد شد؛ بنابراین در این مقال، دو زاویه دید مطرح می‌شود:

۱-۷. از حیث قدرت

گاهی تحلیل بازیگران از زاویه قدرت اعمال تغییرات اجتماعی است. گاهی در مسئله عدالت، یک طرف بازی قدرتمند، گاهی دو طرف قدرتمند و گاهی ناظر سوم قدرتمندی وجود دارد که اعمال تغییر می‌کند. به طور مثال در تقسیم یک کیک بین دو نفر، گاهی نفر اول قدرت توزیع دارد، گاهی هر دو نفر و گاهی نفر سوم یک را بین آن دو تقسیم می‌کند.

۲-۷. از حیث نقش اجتماعی

از منظر دیگری می‌توان بر اساس نقش اجتماعی بازیگران، معیارها و مکانیسم تحقق عدالت را تعیین کرد. دولت، مردم، نهادهای خصوصی، تعاونی، خانواده، فرد و غیره از جمله تقسیمات نقش‌های اجتماعی است که می‌تواند نوع تحقق عدالت را تغییر دهد. به طور مثال در خانواده‌ای که به اندازه درمان فرزند معلول یا رشد فرزند نخبه پول وجود دارد، پدر خانواده وظیفه‌ای دارد که متفاوت از وظیفه عموم مردم، دولت، اقوام این خانواده، نهادهای عمومی و غیره است؛ از این رو تحلیل نوع بازیگر محل تأمل است. ممکن است در مثال گفته شده، تخصیص پول به فرزند معلول از ناحیه خانواده، جود تلقی شود و افراد مکلف به این تخصیص نباشند اما در همان حال، رسیدگی به امور این معلول، تکلیف عادلانه‌ای برای دولت اسلامی باشد.

روش کار با الگوریتم و کارکردهای آن

در استفاده از الگوریتم باید به چند نکته توجه داشت:

۱. رعایت اولویت در پاسخ به ابعاد الگوریتم ضروری است. اولویت مندرج در شکل شماره ۲، نوعی اولویت سنجی فلسفی در پاسخ به پرسش‌های عدالت را نشان می‌دهد که مبنای محوری در آن برجسته است. همچنین باید دقت داشت سه تصمیم نهایی در بسترهای مختلف امکان

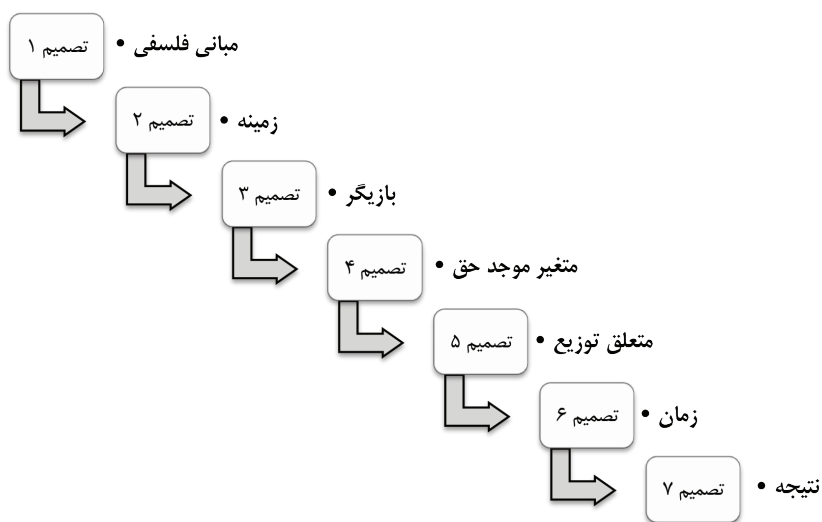


فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۶۰

دوره نهم
شماره ۱
زمستان ۱۳۹۵

تغییر اولویت دارند. به طور مثال اگر در موردی، نتیجه از ابتدا واضح باشد، تصمیم درباره نتیجه بر زمان اولویت می‌یابد. اینکه کدام یک از ابعاد الگوریتم باید مقدم بردیگری پاسخ داده شود، خود تابع نگرش و زاویه دید پژوهشگر است.^۱ در اولویت‌سنجی حاضر، تصمیم‌گیر ابتدا مبانی خود را مرور می‌کند (مبانی فلسفی)؛ سپس پاسخ می‌دهد که مسئله در چه حوزه‌ای طرح شده است و این حوزه چه مختصاتی دارد (زمینه)؛ بازیگران حاضر در عرصه میدانی را شناسایی و تحلیل می‌کند (بازیگر)؛ سپس مبنای تصمیم توزیعی و عامل ایجاد استحقاق را مشخص می‌سازد (متغیر موجد حق). پس از این مرحله، بسته به مسئله و مفروض‌ها ممکن است در ترتیبی متفاوت به زمان، نتیجه و متغیر توزیع پاسخ دهد؛ از این رو، پژوهشگران و تصمیم‌گیران باید با توجه به نیاز و نگرش خود، ترتیب آن را مشخص سازند. به عنوان نمونه می‌توان به استفاده از چنین الگوریتمی در ادراک سنجی عدالت سازمانی از وضعیت حقوق و دستمزد، پاداش و عیدی و تسهیلات رفاهی اشاره داشت که صرفاً چهار بعد الگوریتم را بررسی کرده است (گنجعلی و همکاران، ۱۳۹۳).



شکل شماره ۲. سیر اولویت‌های تصمیم در الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله عدالت

۱. از آنجاکه در این مقاله صرفاً به دنبال طرح بحث هستیم، نظر اسلامی در این بخش را به عنوان یک موضوع به پژوهشگران پیشنهاد می‌کنیم.

۲. اولویت بخشی بین ابعاد الگوریتم، تابع انتخاب، ایدئولوژی پژوهشگریا مسئله پژوهش است. پیشنهاد مقاله حاضر، اولویت مندرج در شکل شماره ۲ است که سه بعد انتهایی، قابلیت چرخش دارند.

۳. با ضرب هر دو بُعد در یکدیگر به ماتریسی دست خواهیم یافت که هر سلول آن یک پاسخ یا راه حل به شمار می رود. از ضرب دوتایی ابعاد در یکدیگر، تنوعی از پاسخ ها و راهکارها را می توان مشاهده کرد. در جدول شماره ۱ نمونه ای از این ضرب را مشاهده می کنید:

جدول شماره ۱. ضرب دو بُعد از محورهای الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله

مطلوبیت	بعد متعلق توزیع		ضرب دو بُعد متغیر تصمیم و متعلق توزیع
	کالا	قیمت	
انتخاب بازرس از خانواده ای اصیل و شناخته شده، امکان انتخاب محل بازرسی خود	سابقه بیشتر کارمند، امکان برخورداری بیشتر از تجهیزات اداری	مهارت بیشتر کارگر در کارگاه تعمیر خودرو، دستمزد بیشتر	شایستگی
احترام به مشتری، اعطای مرخصی	احترام به مشتری، سفر زیارتی	ساعت های بیشتر تلاش در حفاظت از رئیس جمهور، دستمزد بیشتر	عمل
احترام به والدین، ابراز محبت بیشتر به کودک	افزایش مشتری فروشگاه، هدیه کالایی به کارمندان	جابه جایی بیشتر الوار، دستمزد بیشتر	عملکرد
محبت بیشتر به یتیمان	یارانه سبد کالایی بر اساس تعداد خانوار	حق عائله مندی در فیش حقوقی	نیاز و کرامت انسانی



مزیت های استفاده از این الگوریتم

سه ویژگی را می توان به عنوان مزیت استفاده از الگوریتم در تحلیل موقعیت مسئله عدالت برشمرد:

۱. جامعیت در نگاه: الگوریتم موجود سعی داشته است تمامی عناصر ممکن و لازم برای تحلیل را از نظریه ها و مطالعات عدالت استخراج کند؛ از این رو گستره بزرگی از عناصر تحلیلی را در اختیار قرار می دهد. باید توجه داشت جامعیت در تحلیل، متفاوت از انتخاب یک نظریه در تصمیم است لذا اشکالی بر جامعیت نیست.

۲. توجه به مبانی در عین توجه به کاربرد و عملیات میدانی: الگوریتم هم دارای ابعاد فلسفی و مبنایی است و هم اینکه می تواند مبانی را تا مرز عملیات اجرایی هدایت کند؛ از این رو پلی است بین نظریه و عمل و خاصیت اصلی رویکرد مطالعات مسئله محور را به همراه دارد. با توجه به اینکه سیری اولویت دار در ابعاد الگوریتم تعریف شده است، می توان این مسیر را ساده تر پیمود.

۳. سادگی استفاده: تحلیل‌گر می‌تواند عناصر الگوریتم را به صورت انفرادی، ترکیبی یا روایتی مورد استفاده قرار دهد و به انحای مختلف با این ابعاد و عناصر بازی کند تا تحلیل‌های مختلفی تولید کند. در ادامه مثالی از صور انفرادی، ترکیبی و روایتی ارائه می‌شود.

تحلیل مسئله‌ای فرضی با الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله: پرداخت یارانه

می‌توان پرداخت یارانه را در هفت بُعد الگوریتم بررسی کرد. به طور مثال در پرسش‌های تک بعدی، چند بعدی و روایت داستانی می‌توان چنین تحلیل کرد:

پرسش‌های تک بعدی

۱. آیا به دنبال یارانه عادلانه هستیم یا شناخت ادراک مردم از عادلانه بودن یارانه؟
۲. از کدام منبع شناخت بهره می‌بریم؟ عقل، نقل، عرف، توافق اجتماعی؟
۳. یارانه در کجا توزیع می‌شود؟ در سطح کشور، استان، یک قوم یا سازمان؟ و در کدام فرهنگ؟
۴. چه کسی یارانه را توزیع می‌کند؟ دولت، سازمان بین‌المللی، مؤسسه خیریه، مدیر سازمان، سازمان خصوصی؟
۵. چه کسانی مستحق دریافت یارانه هستند؟ همه مردم، فقیران، خانوار با بیش از ۵ عضو، کارگران، کارمندان؟
۶. چه چیزی توزیع می‌شود؟ پول، کالا، پول و کالا، هر کسی آنچه دوست دارد؟
۷. چه زمانی؟ برای امسال، سال بعد، همیشه، تا پنج سال؟
۸. چقدر؟ برابر، نابرابر، متناسب برابر.

پرسش چندبُعدی

تا چه زمانی به همه مردم کالای برابر داده می‌شود؟ از چه زمانی، یارانه کالایی کارمندان قطع می‌شود؟ تا چه زمانی صرفاً به فقیران پرداخت می‌شود؟

روایت داستانی

قرار است کمیته امداد (توسط چه کسی) به مردم روستای دورافتاده‌ای (به چه کسی) که دچار خشکسالی و قحطی شده‌اند (زمینه)، کمک کند. با بررسی انجام شده مشخص می‌شود نود درصد مردم این روستا، همه چیز خود را از دست داده‌اند اما ده درصد باقیمانده توان امرار معاش روزانه را دارند (زمینه + به چه کسی)؛ بنابراین با توجه به منابع کمیته امداد (توزیع‌کننده)،





تصمیم گرفته می شود ده درصد مردم (متغیر موجود حق: شایستگی) را تا دو سال (زمان) توانمند سازند (متعلق توزیع: آموزش)؛ از این رو به آنان آموزش های خودکفایی داده می شود (چه چیزی). پس از دو سال (زمان)، این افراد از برنامه امدادی خارج می شوند (متغیر موجود حق: تلاش). برای نود درصد باقیمانده (متغیر موجد حق: نیاز)، دو کمک نقدی و کالایی (چه چیزی) در نظر گرفته می شود. این کمک ها تا سه سال (زمان) ادامه خواهند داشت. همچنین از سال سوم به آنان آموزش های خودکفایی به مدت سه سال داده می شود. پس از سه سال اول، یارانه نقدی و کالایی قطع شده و وام های خوداشتغالی (چه چیزی) از سال چهارم (زمان) به آنان پرداخت می شود. در عین حال، برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی در آینده، از منابع مالی خود، گروه کارشناسی کشاورزی و منابع طبیعی (به چه کسی) را برای مطالعات بهره وری بیشتر از زمین با هدف کشاورزی و دامداری به منطقه اعزام کرده و برنامه هایی با اثر بلندمدت - بدون اینکه این منابع به مردم پرداخت شود - در این روستا هزینه می شود.

این تحلیل بسیار ساده، بسیاری از ابعاد الگوریتم را پوشش می دهد و نسبت به آن تصمیم گیری شده است. این روستا پس از این برنامه چه تغییری خواهد کرد؟ اگر الگوریتم به صورت دقیق تری مبنای برنامه ریزی قرار گیرد، چه اتفاقی می افتد؟

نتیجه گیری و پیشنهادها

خط مشی گذارانی که می خواهند با طراحی مداخله هایی در جامعه، عدالت را محقق کنند، نیازمند ابزارهایی هستند که در مواجهه با موقعیت های مسئله، امکان تحلیل از زاویه عدالت را برایشان فراهم سازد. الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله، ابزاری تحلیلی در دست تصمیم گیران و تصمیم سازان است تا بتوانند مسئله را به شکل دقیق تر و جامع تر ساختاردهی کنند. این الگوریتم از هفت بعد تشکیل شده است: مبانی فلسفی، زمینه، بازیگر، متغیر موجد حق، متعلق توزیع، زمان، نتیجه که عناصر خود را از نظریه های موجود عدالت دریافت کرده اند. مسلماً این برشماری کاملی نیست و امکان توسعه دارد؛ از این رو سهم یاری دانشی این نوشتار را می توان در سه مورد خلاصه کرد: ۱. پیوند مطالعات تحلیل خط مشی و عدالت پژوهی در سطح ابزارهای تحلیل مسئله؛ ۲. طراحی ابزار تحلیل مسئله با گردآوری و طبقه بندی نوین متغیرهای تصمیم عدالت؛ ۳. طراحی ابزار برای مطالعات مسئله محور.

بحث پیرامون ابزارهای تحلیلی و روشی در حوزه عدالت به عنوان یک محور مطالعاتی و

تحقیقاتی، ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه مقاله حاضر، تمرکز خود را بر طرح یک ابزار تحلیلی به نام «الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله» قرار داده است، می‌توان محورهای پژوهشی در تکمیل این ایده معرفی کرد: (۱) آسیب‌شناسی رویکرد تحلیل مسئله در عدالت؛ (۲) نقد رویکرد الگوریتم‌نویسی در تحلیل مسئله؛ (۳) آسیب‌شناسی جامعیت و مانعیت ابعاد الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله؛ (۴) اولویت‌بندی و نحوه استفاده از الگوریتم در پژوهش‌های کاربردی؛ (۵) پژوهش‌هایی مورد محوراً در حل مسائل واقعی که پیش‌از آن‌ها امکان ارزیابی کارآمدی این ابزار نیز فراهم خواهد شد.



منابع

- آبلسون، رازیل؛ ونیلسن، کی (۱۳۹۲). تاریخ فلسفه اخلاق. دز: پل ادواردز؛ و دونالد ام. بورچرت، دانشنامه فلسفه اخلاق (مترجم: انشاء الله رحمتی)، تهران: آگاه. (تاریخ اصل اثر: ۱۹۹۶)
- پیغامی، عادل؛ تراب زاده جهرمی، محمدصادق؛ و سجادیه، علیرضا (۱۳۹۴). طراحی نظام رصد و پایش دانشی عدالت. دز: مجموعه مقالات دومین همایش ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (جلد اول، ۳۳۸-۳۰۷)، تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا.
- پيله فروش، میثم (۱۳۸۵). معرفی و نقد نظریه‌های عدالت اقتصادی بر اساس معیارهای نیاز، کارآمدی، مسئولیت فردی و کانتکس. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، مرکز تحقیقات.
- تراب‌زاده جهرمی، محمدصادق؛ و سجادیه، سید علیرضا (۱۳۹۰). گونه‌شناسی نظریات عدالت مبتنی بر مبانی فلسفی؛ روشی در تبیین ماهیت مفهومی عدالت. دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۳(۶)، ۵۹-۹۵.
- تراب‌زاده جهرمی، محمدصادق؛ و سجادیه، سید علیرضا (۱۳۹۴). اقتضائات اجرا؛ محور اجماع بر ماهیت مفهومی عدالت. دز: مجموعه مقالات دومین همایش ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (جلد اول؛ ۳۷۳-۳۳۹)، تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا.
- توسلی، حسین (۱۳۷۵). مبانی نظری عدالت اجتماعی. تهران: بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی.
- توسلی، حسین (۱۳۷۶). مبنای عدالت در نظریه جان رالز. نقد و نظر، ۱۱-۱۰، ۱۴۹-۱۲۲.
- توسلی، حسین (۱۳۸۵). رابطه حق و عدالت. پژوهش‌های فلسفی کلامی، ۸(۲۹)، ۹۱-۱۰۹.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۹۵). گفتارهایی جدید در خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- مجلس شورای اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲)، قانون مجازات اسلامی. کتاب سوم. بخش اول، فصل اول.
- قراملکی، احمد (۱۳۸۳). اصول و فنون پژوهش در گستره دین‌پژوهی. قم: معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم.
- گنجعلی، اسداله و همکاران (پذیرش در اردیبهشت ۱۳۹۳). سنجش ادراک عدالت سازمانی بر اساس روش انعکاسی (مطالعه موردی: شعبه مرکزی بانک دی). چشم‌انداز مدیریت دولتی.
- مکولی، جان؛ دبرلی، ژوانی؛ و جانسون، فیل (۱۳۸۹). نظریه سازمان: نگاه‌ها و چالش‌ها (جلد اول؛ مترجم: حسن دانایی فرد، و حسین کاظمی، ۱۳۸۹). تهران: نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام. (تاریخ اصل اثر: ۲۰۰۷)
- نوزیک، رابرت (۱۹۷۴). عدالت و استحقاق (مترجم: مصطفی ملکیان، ۱۳۷۶). نقد و نظر، ۱۰-۱۱، ۹۴-۱۰۹.
- واعظی، احمد (۱۳۸۳). عدالت اجتماعی و مسائل آن. قبسات، ۸(۳۳)، ۲۰۸-۱۸۹.
- واعظی، احمد (۱۳۸۸). نقد و بررسی نظریه‌های عدالت اجتماعی. تهران: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.



منابع

- آبلسون، رازیل؛ ونیلسن، کی (۱۳۹۲). تاریخ فلسفه اخلاق. دز: پل ادواردز؛ و دونالد ام. بورچرت، دانشنامه فلسفه اخلاق (مترجم: انشاء الله رحمتی)، تهران: آگاه. (تاریخ اصل اثر: ۱۹۹۶)
- پیغامی، عادل؛ تراب زاده جهرمی، محمدصادق؛ و سجادیه، علیرضا (۱۳۹۴). طراحی نظام رصد و پایش دانشی عدالت. دز: مجموعه مقالات دومین همایش ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (جلد اول، ۳۳۸-۳۰۷)، تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا.
- پيله فروش، میثم (۱۳۸۵). معرفی و نقد نظریه‌های عدالت اقتصادی بر اساس معیارهای نیاز، کارآمدی، مسئولیت فردی و کانتکس. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، مرکز تحقیقات.
- تراب زاده جهرمی، محمدصادق؛ و سجادیه، سید علیرضا (۱۳۹۰). گونه‌شناسی نظریات عدالت مبتنی بر مبانی فلسفی؛ روشی در تبیین ماهیت مفهومی عدالت. دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۳(۶)، ۵۹-۹۵.
- تراب زاده جهرمی، محمدصادق؛ و سجادیه، سید علیرضا (۱۳۹۴). اقتضائات اجرا؛ محور اجماع بر ماهیت مفهومی عدالت. دز: مجموعه مقالات دومین همایش ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (جلد اول؛ ۳۷۳-۳۳۹)، تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا.
- توسلی، حسین (۱۳۷۵). مبانی نظری عدالت اجتماعی. تهران: بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی.
- توسلی، حسین (۱۳۷۶). مبنای عدالت در نظریه جان رالز. نقد و نظر، ۱۱-۱۰، ۱۴۹-۱۲۲.
- توسلی، حسین (۱۳۸۵). رابطه حق و عدالت. پژوهش‌های فلسفی کلامی، ۸(۲۹)، ۹۱-۱۰۹.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۹۵). گفتارهایی جدید در خط مشی‌گذاری عمومی. تهران: نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- مجلس شورای اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲)، قانون مجازات اسلامی. کتاب سوم. بخش اول، فصل اول.
- قراملکی، احمد (۱۳۸۳). اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی. قم: معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم.
- گنجعلی، اسداله و همکاران (پذیرش در اردیبهشت ۱۳۹۳). سنجش ادراک عدالت سازمانی بر اساس روش انعکاسی (مطالعه موردی: شعبه مرکزی بانک دی). چشم‌انداز مدیریت دولتی.
- مکولی، جان؛ دبرلی، ژوانی؛ و جانسون، فیل (۱۳۸۹). نظریه سازمان: نگاه‌ها و چالش‌ها (جلد اول؛ مترجم: حسن دانایی فرد، و حسین کاظمی، ۱۳۸۹). تهران: نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام. (تاریخ اصل اثر: ۲۰۰۷)
- نوزیک، رابرت (۱۹۷۴). عدالت و استحقاق (مترجم: مصطفی ملکیان، ۱۳۷۶). نقد و نظر، ۱۰-۱۱، ۹۴-۱۰۹.
- واعظی، احمد (۱۳۸۳). عدالت اجتماعی و مسائل آن. قبسات، ۸(۳۳)، ۱۸۹-۲۰۸.
- واعظی، احمد (۱۳۸۸). نقد و بررسی نظریه‌های عدالت اجتماعی. تهران: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.



- Arneson, R. (2013). Egalitarianism. E. N. Zalta, (Ed.). *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Retrieved from: <http://plato.stanford.edu/archives/sum2013/entries/egalitarianism>
- Driver, J. (2014). The history of utilitarianism. *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*.
- Dunn, W. N. (2012). Public policy analysis. N. J. Pearson, *Upper Saddle River*.
- Husami, Z. I. (1978). Marx on distributive justice. In: *Philosophy & Public Affairs*, 8(1), 27-64.
- Konow, J. (2003). Which is the Fairest One of all? A positive analysis of Justice Theories. *Journal of Economic Literature*. 41 (4), 1188-1239. doi: 10.1257/002205103771800013
- Mill, J. S. (1863). *Utilitarianism*. London: Parker Son and Bourn.
- Raadschelders, J. C. N. (2013). *Public administration; The interdisciplinary study of government*. Oxford: Oxford University Press.
- Schmidtz, D. (2006). *Elements of justice*. Cambridge, New York: Cambridge University Press (pp. 198-207). Retrieved from: <http://www.worldcat.org/oclc/60189639>.
- Schmidtz, D. (2012). Friedrich Hayek. E. N. Zalta, (Ed.). *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Retrieved from: <http://plato.stanford.edu/archives/fall2012/entries/friedrich-hayek>
- Wenar, L. (2013). John Rawls. E. N. Zalta, (Ed.). *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Retrieved from: <http://plato.stanford.edu/archives/win2013/entries/rawls>



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۶۸

دوره نهم

شماره ۱

زمستان ۱۳۹۵

Introduction to the Algorithm of Problem Situation Analysis in Justice Research

Reza Akbari¹, Mohammad Sadiq Torabzadeh Jahromi², Mohsen Habibi³

Received: Sep. 24, 2016; Accepted: Dec. 26, 2016

Abstract

The most basic step in policy analysis is problem structuring. If the problem is not correctly formulated, it will not have the right solution. Misunderstanding of the problem situation or its negligence, as for example in the field of justice, will at best lead to putting forward a good solution to an incorrect problem. Therefore, correct analysis of the conditions of justice issues is necessary for the production of the right solution. Due to the lack of analytical tools in the field of justice decision-making and performance, this article seeks to design an algorithm of problem situation analysis as a tool in a step-by-step analysis of the justice problem situation. The task is carried out through extracting analytical elements and dimensions from justice literature, especially influential theories of justice. The algorithm of problem situation analysis in justice research includes seven dimensions: philosophical foundations, context, actor, the variable of the creator of right, object of distribution, time and result. Decision makers in the analysis of problem situation define their views relative to the elements of each of these dimensions. This work raises self-awareness in the decision-makers and policy-makers in relation to intervention characteristics. With using this algorithm, we can explain what, when, on which view, in what condition, by whom, to whom, with what criteria, and for the realization of which outcome will be or should be distributed.

Keywords: justice, algorithm, policy analysis, problem structuring, problem situation analysis

1. Professor of Islamic Philosophy and Kalam. Faculty of Islamic Philosophy and Theology, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: r.akbari@isu.ac.ir

2. PhD Student of Public Administration, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: Torabzadeh@isu.ac.ir

3. Graduate Student of Islamic Studies and Public Administration, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: mo.habibi@isu.ac.ir



Bibliography

- Abelson, R., & Nielsen, K. (1996). Tārix-e falsafe-ye axlāq [History of moral philosophy]. In: P. Edwards, & D. M. Burchert, *Dānešnāme-ye falsafe-ye axlāq [Ethics encyclopedia of philosophy]* (E. Rahmati, Trans.; 1392; 115-204), Tehran, Iran: Āgāh.
- Arneson, R. (2013). Egalitarianism. E. N. Zalta, (Ed.). *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Retrieved from: <http://plato.stanford.edu/archives/sum2013/entries/egalitarianism>
- Danaeefard, H. (1395/2016). *Goftārḥāyi jadid dar xat-e mašygozāri-ye omumi [New developments in public policy making]*. Tehran, Iran: Imam Sadiq University Press (PBUH).
- Driver, J. (2014). The history of utilitarianism. *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*.
- Dunn, W. N. (2012). Public policy analysis. N. J. Pearson, *Upper Saddle River*.
- Ganjali, A. & colleagues (Accepted in May 2014). Sanješ-e edrāk-e edālat-e sāzmāni bar asās-e raveš-e enekāsi (mored-e motāle'e: Šo'be-ye Markazi-ye Bānk-e Dey [Measuring perceptions of organizational justice based on reflexive approach, case study: Central Branch of Day Bank]. *Journal of Češmandāz-e Modiriyat-e Dolati/ Public Administration Perspective*.
- Gharamaleki, A. (1383/2004). *Osul va fonun-e pažuheš dar gostare-ye dinpažuhi [The research basics and methods in religious studies range]*. Qom: Mo'avenat-e Pažuheši-ye Howze-ye Elmiye-ye Qom/Research Deputy of The Qom Seminary.
- Husami, Z. I. (1978). Marx on distributive justice. In: *Philosophy & Public Affairs*, 8(1), 27-64.
- Islamic parliament of Iran (Enacted in 1392/2013). *The Islamic Penal Code*. Ketāb-e Sevvom [Book Three]. Part 1, Chapter 1.
- Konow, J. (2003). Which is the Fairest One of all? A positive analysis of Justice Theories. *Journal of Economic Literature*. 41 (4), 1188-1239. doi: 10.1257/002205103771800013
- McAuley, J., Duberley, J., & Johnson, P. (2007). *Nazariye-ye sāzmān: Negāhā va čālešhā [Organization theory: Challenges and perspectives]* (Vol. 1; H. Danaeefard, & H. Kazemi, Trans., 1389). Tehran, Iran: Imam Sadiq University Publication.
- Mill, J. S. (1863). *Utilitarianism*. London: Parker Son and Bourn.
- Nozick, R. (1974). Edālat va estehqāq [Justice and merit] (M. Maleki, Trans., 1376). *Journal of Naqd va Nazar/Philosophy & Theology*, 10-11, 94-109.
- Peighamī, A., Torabzadeh Jahromi, M. H., & Sajjadih, A. (1394/2015). Tarrāhi-ye nezām-e rasad va pāyeš-e dāneši-ye edālat [Design of observing and monitoring system of justice knowledge]. In: *Majmu'-e maqālāt-e dovvomin hamāyeš-e melli-ye olgu-ye Eslāmi Irāni-ye pišraft [Articles collections of the second of national conference]*



on Islamic-Iranian model of progress] (Vol. 1; 307-338), Markaz-e Pažuhešhā-ye Olum-e Ensāni Eslāmi-ye Sadrā/Center of the Sadra Islamic Humanities Preceding Studies, Tehran, Iran, (1392), Tehran, & Qom, Iran.

Pilehforush, M. (1385/2006). Mo'arrefi va naqd-e nazariyehā-ye edālat-e eqtesādi bar asās-e me'yārḥā-ye niyāz, kārāmadi, mas'uliyat-e fardi va context [Introduces and reviews the theories of economic justice based requirements criteria, efficiency, individual responsibility and context]. Tehran, Iran: The University of Imam Sadiq (PBUH), The Research Center.

Raadschelders, J. C. N. (2013). *Public administration; The interdisciplinary study of government*. Oxford: Oxford University Press.

Schmidtz, D. (2006). *Elements of justice*. Cambridge, New York: Cambridge University Press (pp. 198-207). Retrieved from: <http://www.worldcat.org/oclc/60189639>.

Schmidtz, D. (2012). Friedrich Hayek. E. N. Zalta, (Ed.). *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Retrieved from: <http://plato.stanford.edu/archives/fall2012/entries/friedrich-hayek>

Tavassoli, H. (1375/1996). *Mabāni-ye nazari-ye edālat-e ejtemā'i* [Theoretical principles of social justice]. Tehran, Iran: Bonyād-e Mostaz'afān va Jānbāzān-e Enqelāb-e Eslāmi/Mostazafin foundation of the Islamic Revolution.

Tavassoli, H. (1376/1997). Mabnā-ye edālat dar nazariye-ye John Rawls [The basis of justice in the theory of John Rawls]. *Journal of Naqd va Nazar/Philosophy & Theology*, 10-11, 122-149.

Tavassoli, H. (1385/2006). Rābete-ye haq va edālat [relationship between Truth and Justice]. *Journal of Pažuhešhā-ye Falsafi Kalāmi/Philosophical Theological Research*, 8(29), 91-109.

Torabzadeh Jahromi, M. S. & Sajjadih, S. A. (1394/2015). Eqtezā'at-e ejrā; Mehvar-e ejmā' bar māhiyat-e mafhumi-ye edālat [Implementation conditions;-based consensus on the nature of the concept of justice]. In: *Majmu'-e maqālāt-e dovvomin hamāyeš-e melli-ye olgu-ye Eslāmi Irāni-ye pišraft* [The Proceedings of the second of National Conference on Islamic-Iranian model of progress] (Vol. 1; 339-373), Markaz-e Pažuhešhā-ye Olum-e Ensāni Eslāmi-ye Sadrā/Center of the Sadra Islamic Humanities Preceding Studies, Tehran, Iran, (1392), Tehran & Qom, Iran.

Torabzadeh Jahromi, M. S., & Sajjadih, S. A. (1390/2011). Gunešenāsi-ye nazariyāt-e edālat-e mobtani bar mabāni-ye falsafi; Raveši dar tabyin-e māhiyat-e mafhumi-ye edālat [Typology of theories of justice based on the philosophical foundations, a way to explain the nature of the concept of justice]. *Journal of Do Faslnāme-ye Motāle-at-e Eqtesād-e Eslāmi/Islamic Economic Studies*, 3(6), 59-95.

Vaezy, A. (1383/2004). Edālat-e ejtemā'i va masā'el-e ān [Social Justice and the Related Issues]. *Qabasāt*, 8(33), 189-208.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

33

Abstract

Vaezy, A. (1388/2009). *Naqd va barresi-ye nazariyehā-ye edālat-e ejtemā'i* [*Criticize and opinion theories of social justice*]. Tehran, Iran: Markaz-e Enteshārāt-e Mo'assese-ye Āmuzeši va Pažuheši-ye Emām Khomeini/Center for Publishing Imam Khomeini Education and Research Institute (RA).

Wenar, L. (2013). John Rawls. E. N. Zalta, (Ed.). *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Retrieved from: <http://plato.stanford.edu/archives/win2013/entries/rawls>



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

34

Vol. 9

No. 1

Winter 2017

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the [ISIH Journal](#).

This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution.

License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Akbari, R., Torabzadeh Jahromi, M., & Habibi, M. (2017). Introduction to the algorithm of problem situation analysis in justice research. *Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 9(1), 147-166. doi: 10.22035/isih.2017.247



چگونه به این مقاله استناد کنیم:

اکبری، رضا؛ ترابزاده جهرمی، محمدصادق؛ و حبیبی، محسن (۱۳۹۵). درآمدی بر الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله در عدالت پژوهی. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۹(۱)، ۱۴۶-۱۴۷. doi: 10.22035/isih.2017.247

10.22035/isih.2017.247

http://www.isih.ir/article_247.html